

بررسی و ارزیابی تأثیرات اقتصادی حضور بانک خارجی در جمهوری اسلامی ایران؛ با نگاهی به تجربیات کشورهای در حال گذار بر اساس قاعده نفی سبیل

mnasr121@gmail.com

masuminia_ali@yahoo.com

m.ghaemi84@yahoo.com

محمد نصر اصفهانی / مربی گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی دانشگاه خوارزمی

غلامعلی معصومی‌نیا / دانشیار گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی دانشگاه خوارزمی

مهدی قائمی‌اصل / استادیار گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی دانشگاه خوارزمی

دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۰ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰

چکیده

اواسط دهه ۹۰ را می‌توان آغاز دوران آزادسازی مالی، به‌ویژه در زمینه فعالیت‌های بانکی و حضور بانک‌های خارجی در کشورهای در حال گذار آسیایی، اروپای شرقی و مرکزی قلمداد کرد. طراحان و نویسندگان «طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران» نیز ضمن به رسمیت شناختن حضور بانک خارجی در کشور، در خصوص مالکیت و نحوه فعالیت آن مواردی را مطرح کرده‌اند. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به ارزیابی تأثیرات حضور بانک خارجی در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. نتایج بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که تأثیرات بانک‌های خارجی، به مختصات کشور میزبان و ویژگی‌های بانک‌های آن بستگی دارد. حضور بانک‌های خارجی در کشورهای کم درآمد، تنها تأثیر منفی بر اعتبارات این کشورها داشته است؛ مشکلی که می‌تواند در مورد کشورمان نیز مصداق داشته باشد. گذشته از آنکه حضور بانک خارجی در کشور با توجه به سوابق و شرایط فعلی اقتصاد ایران ناسازگار با قاعده نفی سبیل است. براین اساس، میزبانی از بانک خارجی در اقتصاد ایران تنها در صورت عدم تزامم و برخورد با مصالح مهم‌تر (احکام حکومتی)، می‌تواند دارای توجیه عقلی و شرعی باشد.

کلیدواژه‌ها: جهانی‌شدن، جهانی‌سازی، بانک خارجی، کشورهای در حال گذار، طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران، قاعده نفی سبیل.

طبقه‌بندی JEL: P4, F6, O23, E58, E59

جهانی‌سازی یا جهانی‌شدن در ابعاد مختلف، تحولات اساسی در جهان امروز ایجاد کرده است. جهانی‌شدن در بُعد اقتصادی، شامل گسترش و یکپارچگی بازارهای مالی و مبادلات تجاری، ایجاد سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی نظیر اگو، نفتا، آس.آن، اتحادیه پولی کشورهای اروپایی، ادغام بازارهای مالی و بانک‌های بزرگ جهان و از همه مهم‌تر، تأسیس سازمان تجارت جهانی و در پی آن، آزادسازی تبادل کالا و نقل و انتقال سرمایه بین کشورها و ادغام شرکت‌های تولیدی بزرگ شده است (نقیب‌السادات، ۱۳۷۹). در هم ادغام شدن بازارهای جهانی، در زمینه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم و جابه‌جایی و انتقال سرمایه، نیروی کار و فرهنگ، در چارچوب سرمایه‌داری و آزادی بازار و در نهایت، سر فرود آوردن جهان در برابر ابرقدرت‌های جهانی بازار، منجر به شکافته شدن مرزهای ملی و کاسته شدن از حاکمیت دولت خواهد شد. عنصر اصلی و اساسی در این پدیده، شرکت‌های بزرگ چندملیتی و فراملی هستند. یکی از مهم‌ترین عوامل، دلایل و نمودها و نتایج فرایند یا پروژه جهانی‌شدن / جهانی‌سازی، رقابت بی‌قید و شرط در بُعد اقتصادی در سطح جهانی است. در همین راستا، اواسط دهه ۱۹۹۰ را می‌توان آغاز دوران آزادسازی مالی، به‌ویژه در زمینه فعالیت‌های بانکی و حضور بانک‌های خارجی در کشورهای در حال گذار آسیایی و اروپای شرقی و مرکزی قلمداد نمود. با وجود ناهمگنی چشمگیر در کشور میزبان و بانک مهمان، در الگوهای سرمایه‌گذاری دوطرفه و ویژگی‌های بانکی، شاهد افزایش حضور بانک‌های خارجی در بسیاری از کشورها بوده‌ایم. حضور بانک‌های خارجی در کشورهای کم‌درآمد، تنها تأثیر منفی بر اعتبارات این کشورها دارد. همچنین، در کشورهایی که این بانک‌ها سهم بازار محدودی دارند، قراردادهای بانکی پرهزینه است، محدودیت اطلاعات اعتبارات وجود دارد و بانک‌ها از فواصل دور، به این کشورها می‌آیند و تأثیرات آنها منفی است. در تاریخ ۱۳۹۵/۷/۴ «طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران»، با امضای ۲۲۵ نماینده دوره دهم مجلس شورای اسلامی، برای رسیدگی به کمیسیون‌های تخصصی ارجاع شد. در مواد مختلف این طرح، مانند مواد ۱۳ و ۱۴ و ۲۲ و ۲۵، تهیه‌کنندگان طرح ضمن به رسمیت شناختن حضور بانک خارجی در کشور، در خصوص مالکیت، سهم‌الشرکه و نحوه فعالیت آن، مواردی را برای تصویب و پیشنهاد مطرح نموده‌اند. با توجه به اهمیت موضوع و نظر به اینکه تاکنون در این باره، در ایران پژوهشی انجام نگردیده بود، این مطالعه درصدد بررسی و ارزیابی تأثیرات اقتصادی حضور بانک خارجی در جمهوری اسلامی ایران، با نگاهی به تجربیات کشورهای در حال گذار، بر اساس اصول موضوعه اقتصاد اسلامی است.

روش پژوهش

روش پژوهش ما در این مطالعه، ترکیبی از روش‌های تحلیلی و کمی جاری در اقتصاد متعارف و روش اجتهادی است. از آنجاکه در این پژوهش، بررسی و ارزیابی تأثیرات اقتصادی حضور بانک خارجی در جمهوری اسلامی ایران، از دیدگاه اقتصاد اسلامی مدنظر بوده است؛ در موضوع‌شناسی بر مبنای مطالعات، پایگاه‌های اطلاعاتی و گزارش‌های متعدد و مبتنی بر گزارش پژوهشی کلاسنر و ون‌هورن (۲۰۱۴) و از رویکرد مجازی، استفاده شده است؛ زیرا جمع‌آوری

اطلاعات تک‌تک سهامداران بانک‌ها برای بازه زمانی و جامعه آماری بزرگ این بررسی، تقریباً غیرممکن می‌نمود. نظر به عدم حضور قابل‌اعتنای بانک‌های خارجی در سال‌های اخیر در کشور، از پایگاه داده‌ای که در بردارنده اطلاعات مالکیت ۵۳۳۴ بانک فعال در ۱۳۷ کشور جهان، از بانک‌های کشورهای توسعه یافته مانند ایالات متحده و بریتانیا تا بازارهای نوظهور و در حال رشد سریع، مانند برزیل و چین و کشورهای کمتر توسعه یافته، مانند کامبوج و زامبیا، بهره‌برداری نموده‌ایم. در این پایگاه داده مالکیت بانک‌ها، چه خارجی و چه داخلی، در هر سال و برای بانک‌های با مالکیت خارجی، کشور اصلی سهامداران با میزان سهم نیز مشخص شده است. از سوی دیگر، با عنایت به اینکه ارزیابی موضوع از دیدگاه اقتصاد اسلامی مد نظر بوده است، از روش فقهی و اجتهادی استفاده کرده‌ایم.

پیشینه تحقیق

طی چند دهه اخیر، واسطه‌گری مالی در بازارهای مالی کشورها و در عرصه جهانی، به‌ویژه از سوی بانک و به‌طور خاص بانک‌های خارجی اهمیت بیشتری یافته است و نیاز به درک رفتار آنها را افزایش داده است. مطالعات متعددی در این خصوص انجام گرفته است. در برخی از این مطالعات، بر فزونی مزایای وجود بانک خارجی بر معایب و آسیب‌های ناشی از آن، در کشورهای میزبان پرداخته شده است. در تعدادی دیگر از پژوهش‌ها نیز وجود بانک خارجی، منشأ آثار زیان‌بار در اقتصادهای میزبان ارزیابی شده است. در ادامه، به خلاصه اهم این دو دسته مطالعه می‌پردازیم.

بر اساس مطالعات کلارک و همکاران (۲۰۰۳)، کلاسنز (۲۰۰۶) و کال و مارتینز پریا (۲۰۱۳)، تا پیش از بحران مالی ۲۰۰۸، توافقی عمومی بر این مسئله که مزایای وجود بانک‌های خارجی از هزینه‌های آن بیشتر است، وجود داشت و حضور بانک‌های خارجی موجب افزایش رقابت داخلی تلقی می‌شد که دسترسی به خدمات مالی را افزایش می‌داد، و همچنین موجب بهبود عملکرد اقتصادی و مالی وام‌گیرنده و افزایش ثبات مالی می‌گردید. طی مطالعاتی که کلاسنز و همکاران (۲۰۰۱)، میثان (۲۰۰۶)، برگر و همکاران (۲۰۰۵)، و بک و همکاران (۲۰۱۰) انجام دادند، آنها به این جمع‌بندی رسیدند که هزینه‌های پایین واسطه‌گری مالی که از طریق شکاف قیمتی، و جوه ضمانت و هزینه‌های بالادستی محاسبه می‌شوند، موجب حضور بیشتر بانک‌های خارجی می‌گردد. همچنین شواهدی وجود دارد که هر چه کیفیت واسطه‌گری مالی بهتر باشد، تلاش بانک‌های خارجی برای ورود به بازار بیشتر می‌شود (مودی و پریا، ۲۰۰۴). این ویژگی، در مقایسه با بانک‌های دولتی معنی دارد که معمولاً عملکرد ضعیفی دارند (لاپورتا و همکاران، ۱۹۹۸؛ ساینزا، ۲۰۰۴؛ کول، ۲۰۰۹). تعدادی از عوامل، بعد از این تأثیرات خود را نشان می‌دهند. مانند ارائه محصولات جدید و متنوع، استفاده بیشتر از تکنولوژی‌های روز، سرریز دانش فنی. برای مثال، مردم مهارت‌های جدیدی را از بانک‌های خارجی فراگرفته و در طول زمان به بانک‌های داخلی منتقل می‌کنند. علاوه بر این، بانک‌های خارجی برای بهبود قوانین و مقررات، نظارت، افزایش شفافیت و تسریع اصلاحات داخلی به دولت‌ها فشار وارد می‌کنند (لووین، ۱۹۹۶). تأثیرات ورود بانک‌های خارجی بر توسعه و کارایی آنها، البته به یک مجموعه شرایط مهم وابسته است. برای مثال، توسعه عمومی محدود و موانع ورود به بازار، ممکن است مانع از اثربخشی بانک‌های خارجی شود (دمریکوچ کانت و همکاران، ۲۰۰۴؛ گارسیا هیرو و مارتینز پریا،

۲۰۰۷). همچنین اندازه نسبی بانک‌های خارجی که در بازار حضور دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با محدودیت بیشتر ورود به بازار، سرریزهای کمتری وجود دارد که موجب به وجود آمدن آستانه اثرگذاری می‌شود (کلاسنز و لی، ۲۰۰۳). شباهت‌های میان کشور میزبان و کشور اصلی و تصمیمات ورود به بازار، تعامل اساسی با یکدیگر دارند (گالیندو و همکاران، ۲۰۰۳؛ برگر و همکاران ۲۰۰۴؛ کلاسنز و فن هورن، ۲۰۱۴). براین اساس، تعاملی بین فاصله بانک از کشور اصلی و عملکرد آن نیز وجود دارد (کلاسنز و فن هورن، ۲۰۱۲). در ارتباط با ویژگی‌های بانک‌ها، به نظر می‌رسد عملیات بانک‌های خارجی بزرگتر، تأثیر بیشتری بر دسترسی کسب‌وکارهای متوسط به خدمات مالی دارد که به دلیل ارتباط بیشتر آنها با بازار است. درحالی‌که بانک‌های کوچک‌تر، بیشتر نقش بازیکنان ذخیره را بازی می‌کنند (کلارک و همکاران، ۲۰۰۵). البته سلامت عملیات مالی کشور اصلی و کشور میزبان، اهمیت فراوانی دارد. بانک‌هایی که از سلامت بیشتری برخوردار هستند، رشد اعتباری بیشتری دارند (دیگز و همکاران، ۲۰۰۰؛ دی‌هاس و فن لیلولد، ۲۰۰۶). علاوه بر تأثیرات بانک‌های خارجی بر توسعه و اثربخشی بخش مالی کشورها، برخی مطالعات ارتباط بانک‌ها با ثبات مالی را نیز بررسی کرده‌اند. مطالعات نشان می‌دهد که بانک‌های بین‌المللی، از طریق بازارهای سرمایه داخلی، مؤسسات مالی وابسته خود را در زمان فشارهای مالی حمایت می‌کنند (دی‌هاس و فن لیلولد، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰؛ باربارا ناواری و همکاران، ۲۰۱۰). کلاسنز و فن هورن (۲۰۱۴)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «بانک‌های خارجی: روند و تأثیر»، به بررسی روند و تأثیرات بانک‌های خارجی در بازارهای ۱۳۷ کشور جهان، با استفاده از داده‌های جامع و جدیدی در ارتباط با مالکیت بانک‌ها، برای ۵۳۲۴ بانک و در بازه زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۹؛ یعنی آغاز دوران آزادسازی مالی در زمینه فعالیت‌های بانکی و حضور بانک‌های خارجی در کشورهای در حال گذار آسیایی و اروپای شرقی و مرکزی پرداخته‌اند. آنها اظهار می‌دارند با وجود ناهمگنی چشمگیر در کشور میزبان و بانک مهمان، در الگوهای سرمایه‌گذاری دوطرفه و ویژگی‌های بانکی، شاهد افزایش حضور بانک‌های خارجی در بسیاری از کشورها بوده‌ایم.

حضور بانک‌های خارجی در کشورهای کم درآمد، تنها تأثیر منفی بر اعتبارات این کشورها دارد. همچنین در کشورهایی که این بانک‌ها سهم بازار محدودی دارند، قراردادهای بانکی پرهزینه است و محدودیت اطلاعات اعتبارات وجود دارد. از آنجاکه بانک‌ها از فواصل دور به این کشورها می‌آیند، تأثیرات آنها نیز منفی است.

به‌طور کلی نفوذ بانک‌های خارجی در بازه زمانی بررسی (۲۰۰۹-۱۹۹۵) افزایش چشمگیری داشته است. اما در کشورهای مختلف، تفاوت‌هایی در میزان افزایش وجود داشت. این افزایش نفوذ، در گروه‌های درآمدی متفاوت نیز گوناگونی داشته است. تعداد بانک‌های خارجی در کشورهای OECD، حدوداً ۳۸ درصد و در کشورهای پردرآمد حدود ۲/۵ درصد، در بازه زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۵ افزایش یافت. اما این میزان افزایش، در بازارهای نوظهور ۷۴ درصد و در کشورهای درحال توسعه ۱۱۳ درصد بوده است. در کشورهای درحال توسعه و بازارهای نوظهور، اهمیت این بانک‌ها بسیار بیشتر شده است. به‌گونه‌ای که سهم بازار این بانک‌ها که در بازارهای نوظهور در سال ۱۹۹۵ حدود ۱۸ درصد بود، به ۳۶ درصد در سال ۲۰۰۹، و سهم بازار بانک‌ها در کشورهای درحال توسعه که در سال ۱۹۹۵، ۲۴ درصد بود، در سال ۲۰۰۹، به ۴۵ درصد رسید. امروزه در این کشورها، بانک‌های خارجی نقش مهم‌تری از بانک‌های

داخلی ایفا می‌کنند که میانگین وام‌دهی، سپرده‌ها و سود آنها، بین ۴۲ تا ۵۰ درصد است. همچنین، با وجود اینکه امروزه بانک‌های خارجی تقریباً در تمام کشورهای جهان حضور دارند، در سال ۱۹۹۵ تنها، ۲۰ کشور بانک خارجی نداشتند. در حالی که در سال ۲۰۰۹، تنها ۱۲ عدد بانک خارجی ندارند. اما سهم بازار آنها در کشورها متفاوت است؛ حضور این بانک‌ها، رابطه معکوسی با سطح توسعه‌یافتگی کشور میزبان دارد. بخصوص در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بازارهای نوظهور، اروپای شرقی، آسیای مرکزی، آمریکای جنوبی و جنوب صحرائی آفریقا، بانک‌های خارجی حداقل ۵۰ درصد از بازار بانکی داخل کشور را در دست دارند.

در ادامه، با نگاهی به تجربیات کشورهای در حال گذار، از جمله کشورهای کمتر توسعه‌یافته، کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین، پاکستان، مالزی و هند، به بررسی و ارزیابی تأثیرات اقتصادی حضور بانک خارجی در جمهوری اسلامی ایران، بر مبنای قاعده نفی سبیل می‌پردازیم.

کشورهای در حال گذار و کمتر توسعه‌یافته

اکثر کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، از جمله کشورهای آمریکای لاتین، کشورهای اروپای مرکزی و اروپای شرقی و کشورهای در حال گذار آسیایی، به این دلیل پذیرا و حتی مشتاق ورود بانک‌های خارجی هستند که انتظار دارند با ورود این بانک‌ها، تنوع محصولات و خدمات بانکی افزایش یابد، سطح پس‌انداز داخلی افزایش یابد، تجارت بین‌المللی تسهیل شود، سیستم بانکی مدرن شده و به بهبود سطح تکنولوژی در کشورها کمک کند.

جنون و همکاران (۲۰۱۱)، می‌نویسند که ورود بانک‌های خارجی به کشورهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای در حال گذار، معمولاً با این توجیه همراه است که ورود بانک‌های خارجی موجب کاهش ریسک و افزایش کارایی سیستم بانکی کشورهای میزبان خواهد شد. این واقعیت جدی و مهم نادیده گرفته می‌شود که اثر سرریزی مثبت بانک‌های خارجی، به سیستم بانکی داخلی، در صورتی است که از یک سو، بانک‌های خارجی با سطوح کارایی بالاتر و سطوح ریسک پایین‌تر، وارد کشور میزبان شوند. از سوی دیگر، بانک‌های داخلی نیز یارای رقابت و همزیستی با این بانک‌های خارجی را نداشته باشند. اما آیا تجربه جهانی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای در حال گذار، بیانگر ورود بانک‌های خارجی، با برخورد از این شروط است؟ در ادامه، به برخی از مهم‌ترین نتایج به‌دست‌آمده در خصوص ارزیابی‌های انجام شده و پاسخ‌های داده شده به این سؤال، در مورد کشورهای در حال گذار اشاره شده است.

نفوذ گسترده بانک‌های خارجی در سیستم بانکی این کشورها عموماً از طریق تمرکز بر اعتباردهی به مشتریان بزرگ و ویژه بانکی انجام می‌شود، به نحوی که پایداری مالی کشور میزبان همواره از سوی نوسانات اعتباری بانک‌های خارجی تهدید می‌شود. در مقابل، بانک‌های خارجی، امکان دسترسی سهل‌الوصول برای خانوارها و بنگاه‌های کوچک و متوسط را فراهم نمی‌آورند و خانوارها و بنگاه‌های نوپا، برای دسترسی به اعتبارات بانک‌های خارجی، باید حساب‌های بانکی قابل اتکایی داشته باشند و فرایندهای مشخصی در خصوص نگهداری و ارائه وثیقه‌های معتبر را طی کنند (دومانسکی، ۲۰۰۵، ص ۷۷-۷۸).

بانک‌های خارجی، از اواسط دهه ۱۹۹۰ اقدام به ورود به کشورهای کمتر توسعه یافته نمودند. ارزیابی‌های طولی در این کشورها، نشان می‌دهد که بانک‌های خارجی از طریق ایجاد کانال خروج سرمایه از کشور، منجر به کاهش پایداری اعتبارات بانکی داخلی می‌شود. به علاوه، به هنگام بروز هرگونه بحران در هر یک از کشورهای میزبان یا مهمان، به سرعت آثار منفی بروز بحران را با خروج یا حضور خود، تشدید می‌کنند.

کشورهای آفریقایی

براون بریج و گوکل (۱۹۹۸) می‌نویسند: ورود بانک‌های خارجی به کشورهای آفریقایی، صرفاً به تأمین مالی بنگاه‌های بزرگ، شرکت‌های چندملیتی و دولت‌ها منجر شده است که علاوه بر ایجاد فساد و رانت‌جویی، برای دسترسی به منابع بانکی خارجی در این کشورها، اختلاف طبقاتی و فقر را در این کشورها گسترش داده است. به علاوه، ورود بانک‌های خارجی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی صرفاً سودآور، منجر به تخریب زمینه‌های توسعه صنعت و کشاورزی در این کشورها شده است.

کشورهای آمریکای لاتین

یایاتی و میکو (۲۰۰۷) اظهار می‌دارند که با بررسی ورود بانک‌های خارجی به کشور آمریکای لاتین از جمله آرژانتین، برزیل، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، مکزیک، پرو و السالوادور، باعث کاهش رقابت در سیستم بانکی این کشورها شده است. کاهش رقابت بانکی، به کاهش ریسک بانکی منجر شده است. براین اساس، می‌توان این‌گونه قضاوت کرد که ورود بانک‌های خارجی، از کانال کاهش رقابت بانکی، کاهش ریسک در سیستم بانکی کشورهای آمریکای لاتین را به دنبال داشته است. اما این قضاوت، نمی‌تواند از اعتبار کافی برخوردار باشد؛ زیرا بررسی دقیق ماهیت ریسک در بانک‌های خارجی وارد شده به آمریکای لاتین، نتایج تعجب‌آوری را نشان می‌دهد. سطح ریسک در بانک‌های خارجی میهمان، بیشتر از بانک‌های ملی کشور میزبان بوده است. کاهش ریسک در کشورهای آمریکای لاتین، به دلیل حضور بانک‌های خارجی با ریسک کمتر نبوده است. بانک‌های خارجی، از نسبت‌های اهرمی بالاتری نسبت به بانک‌های ملی برخوردار بوده‌اند و بازدهی‌های بانکی در این بانک‌ها، نوسان بیشتری داشته است. از این رو، در نهایت ریسک بالاتری را به سیستم بانکی کشورهای میزبان تحمیل نموده‌اند.

کشورهای آسیایی؛ پاکستان، مالزی و هند

میان (۲۰۰۶) اظهار می‌کند که وجود تفاوت‌های نهادی، ترجیحات ریسکی و ناهمگنی مشتریان بانکی، موجب شده است که حضور بانک‌های خارجی نتواند در پاکستان تجربه‌ای موفق و مؤثر داشته باشد. در پاکستان، مشابه با اکثر کشورهای کمتر توسعه یافته، نظام قانون‌گذاری و نظارت ویژه‌ای برای بانک‌های خارجی طراحی نشده است. موذ و همکاران (۲۰۱۳)، سوفیان (۲۰۰۷) و دیتراگیچ و گوپتا (۲۰۰۶)، بیان می‌کنند که در میانه سال ۱۹۹۷، با بروز اولین نشانه‌های بروز بحران، اعتماد و انکاء به بازار در اقتصاد مالزی، همزمان با سایر کشورهای جهان کاهش یافت.

نشانه‌های این بی‌اعتمادی از آغاز خروج سرمایه در بهار ۱۹۹۷ که تا جولای بر شدت آن افزوده شد، مشاهده می‌شد. در تابستان ۱۹۹۷ و با ادامه این روند خروجی سرمایه، رینگیت (واحد پول مالزی) با افت ارزش سریع و زیادی مواجه شد. در چنین شرایطی، بخش بانکی مالزی نیز با مشکل افزایش شدید مطالبات غیرجاری مواجه شد. رقم این مطالبات، از ۶ درصد در انتهای سال ۱۹۹۷، به ۲۲ درصد در انتهای سال ۱۹۹۸ رسید. سیستم بانکی، با کمبود نقدینگی جدی مواجه شده بود. به همین دلیل، نرخ ذخیره قانونی در جولای ۱۹۹۸ از ۱۳/۲ درصد به ۸ درصد کاهش یافت. در چنین شرایطی، دولت مالزی از مالیات بر خروج سرمایه، برای مقابله با خروج سرمایه‌های بانکی از مالزی استفاده نمود. حضور هرچند محدود بانک‌های خارجی در اقتصاد مالزی، در شرایط بحران ۱۹۹۷، جنوب شرقی آسیا، تأثیر بسزایی بر انتشار و شدت‌گیری بحران از کانال خروج سرمایه، به خارج از کشور داشته است. به علاوه، بر اساس نتایج مطالعات جدید از جمله مطالعه سان و همکاران (۲۰۱۱) و برخلاف مطالعات قدیمی‌تر از جمله آیسیک و حسن (۲۰۰۲)، حسن و مارتون (۲۰۰۳)، هاواریلیک (۲۰۰۶)، کارایی بانک‌های خارجی در مالزی، کمتر از بانک‌های داخلی بوده است. سنسارما (۲۰۰۶) می‌نویسد: نتایج بررسی تأثیر ورود بانک‌های خارجی به هند، نشان می‌دهد که این بانک‌ها نسبت به بانک‌های دولتی و بانک‌های خصوصی، از کمترین کارایی و بهره‌وری برخوردار بوده‌اند.

ایران

بنا بر اعلام رئیس کل بانک مرکزی، در مردادماه سال ۱۳۹۴، لایحه‌ای از سوی دولت برای فعالیت بیشتر بانک‌های خارجی در ایران به مجلس ارائه شد. این لایحه اجازه می‌دهد نسبت به افزایش سهم ۴۰ درصدی سرمایه خارجی، تأسیس بانک اقدام شده و در عمل، بانک‌های خارجی می‌توانند در ایران فعالیت خود را آغاز کنند. بر اساس قانون جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز بانک‌های خارجی می‌توانند ۴۰ درصد سهام بانک‌های ایرانی را خریداری کنند. طبق بخش‌نامه بانک مرکزی، سرمایه اولیه مورد نیاز برای تأسیس بانک در ایران، حداقل ۲۵ میلیون یورو، مؤسسه اعتباری غیربانکی، ۱۵ میلیون یورو و شعبه مؤسسه اعتباری خارجی، حداقل پنج میلیون یورو یا معادل آن، به ارزش‌های معتبر است. در مورد تأسیس بانک‌های خارجی در کشور، باید این نکته را یادآور شد که مجلس نهم، در تیرماه سال ۱۳۸۹ طی مصوبه‌ای، شرط شراکت بیش از ۵۰ درصدی ایرانی‌ها، برای تأسیس بانک‌های مشترک ایرانی - خارجی در ایران را حذف کرد، تا امکان حضور بانک‌های خارجی آسان‌تر شود. از آنجاکه با توجه به محدود بودن خرید ۴۰ درصد سهام بانک‌های ایرانی، بانک‌های خارجی احتمالاً با تعداد محدودی از شعب خود فعالیت خواهند کرد، تا تحت تأثیر سیاست‌های پولی و مالی و سایر سیاست‌های ایران نباشند. به علاوه، ممکن است بانک‌های غیرمعتبر و ناکارآمد خارجی، در این شرایط حاضر به حضور در ایران باشند. در حال حاضر، بانک‌های خارجی به صورت بسیار محدود در بازار پولی و بانکی ایران حضور دارند. در جدول ۱، مجموعه بانک‌های خارجی حاضر در ایران ارائه شده است. حضور اندک هر یک از این بانک‌های خارجی در ایران، به دلایل خاصی اقتصادی و سیاسی ظهور و بروز داشته است. لازم است ارزیابی دقیقی در خصوص مکانیسم‌های حضور و فعالیت این بانک‌ها و دلایل کارشناسی و عملیاتی عدم گسترش حضور این بانک‌ها در کشور، با نگاهی علمی و اجرایی صورت پذیرد.

به نظر می‌رسد، تجربه به‌کارگیری بانک‌های خارجی در ایران، نتوانسته است چشم‌انداز مناسبی برای بانک‌های خارجی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران فراهم کند؛ زیرا بانک‌های خارجی پیش از انقلاب، به دو شیوه در ایران فعالیت می‌کردند: در بخش اول، صددرصد سرمایه متعلق به خود آنها بود که عملکرد این بانک‌ها، پس از بررسی شورای انقلاب در سال ۵۸، نشان داد که فعالیت آنها برای اقتصاد ایران مناسب نبوده است. در بخش دوم، سهم سرمایه‌گذاری بانک‌های خارجی تا پیش از انقلاب، معادل ۴۹ درصد سهام بانک‌ها را شامل می‌شد. شورای انقلاب در سال ۵۸ اعلام کرد که عملکرد این بانک‌ها، به صلاح کشور نبوده، به نحوی که تعهدات کلانی را برای اقتصاد کشور ایجاد کرده‌اند. در حقیقت، تجربه نشان داده است که عملکرد این بانک‌ها در سال‌های پیش از انقلاب، در راستای نظام اقتصادی و اجتماعی کشور نبوده و تنها در جهت سودآوری سهامداران و سرمایه‌گذاران خارجی اقدام کرده‌اند.

جدول ۱. لیست بانک‌های خارجی حاضر در ایران

نام بانک	محل	تعداد شعبه
بانک تجاری ایران و اروپا	تهران و کیش	۲
بانک تعاون منطقه‌ای اسلامی	تهران	۱
بانک المستقبل (فوجیر)	کیش	۱
بانک استاندارد چارترد	کیش	۱
بانک مشترک ایران و ونزوئلا (تنها بانک مشترک ایرانی و خارجی)	تهران	۱

(منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)

دستاوردهای این پژوهش، در خصوص بانک‌های کشورهای در حال گذار و ایران، نشان می‌دهد نوع رابطه میان بانک‌های خارجی با بانک‌های داخلی و سیستم پولی و بانکی و نتیجه حاصل از ورود بانک‌های خارجی، به مقدار زیادی بستگی به ویژگی‌های بانکی و اقتصادی کشور میزبان دارد. نکته مهم اینجاست که فارغ از شیوه ورود و میزان مداخله بانک‌های خارجی در کشور میزبان، بانک‌های خارجی بدون تردید با ورود خود، به یکی از مهم‌ترین بخش‌های سیستم بانکداری کشور میزبان بدل می‌شود و از قدرت قابل توجهی برخوردار خواهند شد. باتاچاریا و همکاران (۱۹۹۷)، کلاسنز و لسی (۲۰۰۳)، پیریا و مودی (۲۰۰۴)، کلاسنز و هورن (۲۰۱۴) و پیتیر (۲۰۱۷)، اظهار می‌دارند که ورود بانک‌های خارجی به کشورهایی که یک یا چند مورد از ویژگی زیر را داشته باشند، صرفاً تأثیر منفی داشته است:

- کشورهای کم درآمد؛
- کشورهایی که به‌طور نسبی نظام بانکی ناکارایی دارند؛
- کشورهایی که از سیستم نظارتی بانکی قدرتمندی برخوردار نیستند؛
- کشورهایی که سهم بانک‌های خارجی در بازار بانکی آنها اندک هست؛
- کشورهایی که قراردادهای بانکی پیچیده و عملیات اجرایی بانکی پرهزینه‌ای دارند؛
- کشورهایی که با محدودیت اطلاعات اعتباری از مشتریان و کارگزاران سیستم بانکی مواجه هستند؛
- کشورهایی که پذیرای بانک‌های خارجی از کشورهای دور از کشور مقصد یا کشورهای دورافتاده بوده‌اند؛
- کشورهایی که به دلیل سابقه تاریخی، یا هر ریشه ملی دیگری، از الزامات نهادی و فرهنگی لازم، برای

تعامل با بانک‌های خارجی و اعتماد به بانک‌های غیربومی برخوردار نبوده‌اند؛

- کشورهایی که زمان مناسبی را برای میزبانی از بانک‌های خارجی انتخاب نکرده‌اند. برای مثال، کشورهای که در زمان بروز بحران‌های اقتصادی فراگیر جهانی، پذیرای بانک‌های خارجی شده‌اند و از این طریق، زمینه‌های انتشار بحران در اقتصاد خود را تشدید نموده‌اند.

- کشورهایی که بدون توجه به ملیت بانک خارجی، اندازه آن، کیفیت انجام عملیات‌های بین‌المللی در بانک خارجی و فاصله کشور میهمان و میزبان، اقدام به صدور مجوز ورود بانک‌های خارجی نموده‌اند؛

- کشورهایی که بدون مشخص نمودن اقلام ترازنامه‌ای دقیق و مهم و شاخص‌های عملکردی مشخص و حساب‌شده، برای ارزیابی و نظارت بر نقش بانک‌های خارجی در واسطه‌گری مالی، مجوز ورود بانک‌های خارجی را صادر نموده‌اند.

بر مبنای مطالعات و پژوهش‌های مختلف انجام گرفته، به اهم آنها اشاره شد، حضور بانک‌های خارجی در کشورهایی که از استحکام و انسجام کافی در تنظیم قوانین و مقررات سیستم پولی و بانکی برخوردار نبوده‌اند، یا کشورهایی که به‌طور کلی بازارهای پولی و مالی متشکل و منظمی نداشته‌اند، نتایج نامطلوبی را به دنبال داشته است. در اینجا به این موارد اشاره می‌شود:

- حضور بانک‌های خارجی از طریق خرید دارایی‌های بزرگ‌ترین بانک‌های داخلی در شرایط نامساعد یا بفرنج مالی؛
- محوریت کسب قدرت بازاری و سهم تعیین‌کننده در بازار بانکی در ورود به بازارهای بانکی کشور میزبان؛
- کمک‌های مالی بانک‌های خارجی صرفاً به بنگاه‌های بزرگ و پرسود داخلی؛
- عدم حمایت مالی از بنگاه‌های دچار کمبود نقدینگی؛
- عدم حمایت از تولیدات حیاتی صنعتی و کشاورزی و توجه ویژه به بخش‌های سودآور اقتصادی کشورهای میزبان؛
- عدم تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط و کسب و کارهای جدید؛
- ایجاد زمینه ورود بنگاه‌ها و شرکت‌های چندملیتی بزرگ؛
- تقویت بنیه مالی بنگاه‌ها و شرکت‌های چندملیتی بزرگ حاضر در کشور میزبان؛
- ایجاد رقابت کاذب، غیرسازنده و غیرقانونی میان بانک‌های بزرگ داخلی، برای جذب بنگاه‌های سودده و بزرگ داخلی به سمت خود؛

- برون‌رانی بانک‌های کشور میزبان، از حیثه کمک مالی به بنگاه‌های کوچک و متوسط داخلی، به دلیل مدیریت و عرضه وجوه به سمت بنگاه‌های بزرگ و مهم داخلی؛

- کاهش دسترسی بنگاه‌های کوچک و متوسط داخلی، در دسترسی به منابع بانکی داخلی، به دلیل تمرکز بانک‌های داخلی بر تأمین مالی بنگاه‌های بزرگ و سودده و ایجاد رقابت غیرسازنده میان بانک‌های داخلی و خارجی؛
- ایجاد رقابت کاذب، غیرسازنده و غیرقانونی میان بانک‌های خارجی و بانک‌های داخلی، برای به دست آوردن سهم بزرگ‌تری از مشتریان بزرگ بانکی، از طریق ارائه تسهیلات و مشوق‌های مختلف؛

- بروز فساد مالی در سیستم بانکی، به دلیل عدم امکان رقابت صحیح بانک‌های ضعیف داخلی با بانک‌های قدرتمند خارجی؛
- عدم جبران سستی‌ها و ناکارآمدی‌های، عملیاتی، اجرایی، قانونی و نظارتی بازار بانکی کشور میزبان، از طریق ورود بانک‌های خارجی و جایگزین شدن صرف بانک‌های خارجی به جای بانک‌های قدرتمند داخلی؛
- ایجاد زمینه تشدید بحران‌های داخلی و سرایت بحران‌های خارجی، به کشورهای میزبان از طریق کسب سهم در بازار بانکی کشور میزبان؛
- تنظیم هدفدار و یک‌جانبه و مدیریت ورود و خروج سرمایه از کشور میزبان، از طریق بازار بانکی بین‌المللی؛
- عدم استقلال سیستم بانکی داخلی در تصمیم‌گیری‌های پولی و بانکی بر اساس منافع ملی؛
- ایجاد توقع بی‌جا و غیرمنطقی از بانک‌های خارجی برای تنظیم، اصلاح و تثبیت اقتصاد کلان در کشورهای میزبان، با وجود عدم زمینه‌سازی برای تأثیرگذاری هدایت شده و مدیریت شده بانک‌های خارجی در کشور، از طریق تنظیم متغیرهای کلان اقتصادی و اتخاذ سیاست‌های اثبات ارزی و کلان؛
- عدم دسترسی بانک‌های خارجی به اطلاعات شفاف در خصوص مشتریان و بخش‌های اقتصادی کشور میزبان و سوق دادن اعتبارات صرفاً به سمت بنگاه‌های بزرگ برخوردار از سیستم اطلاعاتی کارآمد و روزآمد؛
- وجود تفاوت‌های نهادی، ترجیحات ریسکی و ناهمگنی مشتریان بانکی، به‌عنوان چالش‌های اساسی بانک‌های خارجی برای فعالیت در بازار بانکی کشور میزبان؛
- اختلافات فرهنگی فاحش و وجود سوابق تاریخی منفی میان مردم کشورهای میزبان و کشورهای مبدأ بانک‌های خارجی و عدم امکان تعامل و تأثیرگذاری مناسب، بر بازار بانکی کشور میزبان؛
- وجود فاصله جغرافیایی و فرهنگی زیاد میان کشورهای میزبان و کشورهای مبدأ بانک‌های خارجی.

قاعده نفی سبیل و بانک خارجی

در تعریف بانک جهانی، بانک خارجی به بانکی اطلاق می‌گردد که ۵۰ درصد یا بیشتر سهام آن، متعلق به کشورهای دیگر باشد. منظور ما از «بانک خارجی»، بانکی است که ۵۰ درصد یا بیشتر سهام آن متعلق به کشورهای غیرمتخاصم دیگر، اعم از کشورهای مسلمان و غیرمسلمان است. موارد استثناء، از قاعده فقهی نفی سبیل از کتاب و سنت و اجماع و عقل استخراج و استنباط شده است.

قاعده نفی سبیل

بر اساس آیه شریفه «أَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)، هرگونه «سلطه کفار بر مؤمنان» نفی شده است. در مورد معنای این آیه، دو احتمال دیگر نیز مطرح شده است: «برتری مؤمنان بر کافران در قیامت» و «غلبه حجت مؤمنان بر کافران». اما عمده فقها، معنای اول را ترجیح داده‌اند. امام خمینی ره می‌نویسد:

ممکن است بگوییم آیه سبیل را مطلقاً نفی فرموده، بنابراین، معنای آیه این است که خداوند هیچ راهی چه در تکوین و چه در تشریح برای مؤمنان از جانب کفار قرار نداده است. اما در تکوین: خداوند رسول ﷺ و مؤمنان را در موارد زیادی از نظر معنوی و صوری و با کمک فرشتگان تأیید فرموده، در مقام احتجاج نیز در قرآن کریم بهترین منطق را در تشریح بیان فرموده، در مقام تشریح هیچ‌گونه سلطه اعتباری کفار بر مسلمانان را امضا نفرموده است. بنابراین، آیه تمامی راههای تکوینی و اعتباری کفار بر مؤمنان را نفی فرموده است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۳۴).

اطلاق آیه، شامل هر دو حکم تکلیفی و وضعی می‌شود. فقها در این رابطه، به ادله دیگری نیز تمسک کرده‌اند. برای نمونه، محقق نجفی به آیه «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» تمسک فرموده است. محقق بجنوردی در تقریب استدلال ایشان می‌فرماید:

شرافت و عزت اسلام نه تنها مقتضی بلکه علت تامه این است که در احکام شرع هیچ حکمی که سبب ذلت و خواری مسلمانان و برتری کفار شود وجود نداشته باشد. خداوند در قرآن کریم فرموده «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (مناقضون: ۸) پس چگونه ممکن است خداوند حکمی را که سبب برتری کفار بر مسلمانان می‌شود تشریح فرماید و فرد مسلمان را ملزم به امتثال آن نماید؟ (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۹۲).

در مباحث فقهی و اصولی، به این‌گونه استدلال مناسب حکم و موضوع گفته می‌شود. اراده الهی، حفظ عزت مسلمانان است. این بدون نفی کامل سلطه کفار حاصل نمی‌شود. بر حجیت این قاعده که به قاعده نفی سبیل مشهور است، اجماع محصل و قطعی قائم شده است (همان). محقق مراعی می‌فرماید:

از تتبع در فرموده‌های اصحاب در ابواب مختلف آشکار می‌شود که بر قاعده نفی سبیل اجماع محصل قطعی قائم شده است. آنها این امر را ارسال مسلمات می‌دانند که هیچ منکری ندارد و این کاشف از این است که شارع به آن رضایت داشته و به آن حکم می‌کند. اجماعات منقول نیز بر این قاعده قائم شده است که در حد استفاضه و بلکه از آن بالاتر در حد تواتر است. این امر، برای هر اهل تحقیقی مخفی نیست. شهرت عظیمی که به حد ضرورت می‌رسد نیز بر آن قائم شده است (حسینی مراعی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۵۲).

اگر دلالت آیه شریفه بر قاعده نفی سبیل را مسلم بدانیم، آیه شریفه که حجت است و اجماع و شهرت مؤید آن خواهد بود، اما اگر برخی اشکالات از جمله اختصاص به قیامت را هم در نظر داشته باشیم، چنین اجماعی به‌تنهایی حجت و مثبت حکم خواهد بود. در علم فقه، مبرهن است در صورتی که دلیل لفظی از کتاب و سنت موجود نباشد، اجماع به‌تنهایی مثبت حکم است. نتیجه اینکه، دلیل قاعده نفی سبیل در هر صورت تام بوده و نزد فقها غیر قابل خدشه است. این قاعده، در بین فقهای اهل سنت نیز مورد تسالم است. بر اساس این قاعده، هرگونه ارتباط و دادوستدی که موجب سلطه بیگانگان بر مسلمان شود، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، ناروا است و جایز نمی‌باشد؛ هر چه سبب تسلط کفار بر مسلمانان شود، هم حرام و مستوجب عقاب بوده و هم تمامی معاملات و انتصاب‌هایی که انجام می‌شود، باطل و غیرقانونی است. اطلاق ادله این قاعده، تمامی روابط اجتماعی و فردی را دربر می‌گیرد. فقها در موارد زیادی، در احکام فردی به این قاعده تمسک کرده‌اند. در تمامی مواردی که اطاعت یک مسلمان از مسلمان دیگر واجب باشد، اطاعت غیرمسلمان، نه‌تنها وجوب ندارد، بلکه جایز هم نمی‌باشد و... (همان، ص ۳۶۰). موارد روابط اجتماعی نطاق وسیعی دارد و شامل تمامی مصادیقی که امکان سلطه کفار بر مسلمانان به

هر نحو وجود دارد، می‌شود. قاعده نفی سیبیل، قاعده‌ای ثابت و غیر قابل تخصیص است (خلخالی، ۱۴۰۷ق، ص ۶۳). اما مصداق آن به حسب شرایط زمانی و مکانی متغیر بوده در بسیاری اوقات نیاز به کارشناسی دقیق دارد. بخصوص در مواردی که سرنوشت جامعه و نظام اسلامی مطرح است. البته گاهی حفظ موجودیت جامعه و یا نظام اسلامی، در مواردی مستوجب پذیرش برخی معاهدات می‌باشد که به مصداق «الضرورات تنقذ بقدرها»، نباید از موارد ضرورت تعدی نمود. گاهی چند قرارداد از جانب نظام سلطه، در قالب یک مجموعه طراحی می‌شود که می‌تواند سرنوشت جامعه اسلامی را دگرگون سازد. در روابط فردی، هر فردی خودش باید دقت کند که روابط او با غیرمسلمانان مصداق این قاعده نباشد. اما در روابطی که به جامعه اسلامی مربوط می‌شود، مرجع تشخیص، حاکم اسلامی و سازوکاری است که او تعیین می‌کند.

حکومت قاعده نفی سیبیل بر قواعد اولیه

این قاعده، بر عمده قواعد حکومت دارد. از این نظر، شبیه قاعده لاضرر و قاعده لاجرح است که بر قواعد اولیه، مانند وجوب وضو، غسل، روزه، قاعده تسلیط و سایر احکام اولیه حکومت دارند (شیخ انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۴۲). در این گونه موارد در ابتدا به ذهن می‌رسد که دو حکم با یکدیگر تنافی دارند، اما با دقت لازم آشکار می‌شود که این تعارض ظاهری، به راحتی قابل حل است. حقیقت امر این است قواعدی همانند قاعده تسلیط، ناظر بر قواعد اولیه بوده، آنها را توسعه داده و یا توضیح می‌کند. در این موارد، گفته می‌شود قاعده تسلیط حاکم بر قواعد اولیه است. برد قاعده اولیه، تا آنجاست که مصداق دلیل حاکم نباشد. از آنجایی که مصداق حکم حاکم شد، نمی‌توان به حکم اولی پایبند بود و باید دلیل حاکم را مینا قرار داد. حکم اولی، جواز روابط با کفار است. بنابراین، روابط با کشورهای مختلف اروپایی، آمریکایی، روسیه، چین، هند و سایر کشورها، اعم از دولت یا بخش خصوصی بر اساس قواعد اولیه مانعی ندارد. در صورتی که این کشورها، سر جنگ یا تسلط بر مسلمانان، به‌ویژه کشور ما که اساس نظام مبتنی بر معیارهای اسلامی است، نداشته باشند، رابطه با آنها جایز است. بر اساس آیات ابتدایی سوره ممتحنه، در صورتی که کفار سر جنگ و سلطه‌جویی با مسلمانان نداشته باشند، می‌توان بر اساس قسط و حتی نیکی با آنان ارتباط داشت. روشن است که در تمامی دوران‌ها داشتن روابط با غیرمسلمانان و با کشورهای غیراسلامی، در زمینه‌های مختلف امری لازم بوده و هست.

حضرت رسول اکرم ﷺ معاهده‌های مختلفی با قبایل داخلی و کشورهای غیرمسلمان منعقد فرموده و تا وقتی طرف مقابل نقض نمی‌کرد، به آن پایبند بودند. در مواردی که کفار در قراردادهایشان با مسلمانان، به دنبال سلطه‌جویی و استفاده یک‌طرفه نیستند، انعقاد قرارداد و تعامل با آنان منعی ندارد. یکی از دستورات بین‌المللی اسلام هم پایبندی به تعهدات است و دستوراتی همچون «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»، (اسراء: ۳۴) مطلق بوده، تمامی قراردادها حتی با غیرمسلمانان را شامل می‌شود. اما قرآن کریم، مرتب هشدار می‌دهد که مواظب عهدشکنی سران کفر باشید: «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنَا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا إِنَّهُمْ أَكْفَرُ مِنْهُمْ لَا يُؤْمِنُ لَهُمْ» (توبه: ۱۲). این کتاب

آسانی، مرتب هشدار می‌دهد که مواظب باشید دشمنان را همراز خود نگیرید: «ای کسانی که ایمان آوردید دشمنان را همراز خودتان نگیرید، آنها از اذیت شما فروگذار نمی‌کنند. دوست دارند شما در سختی واقع شوید...» (آل عمران: ۱۱۸). امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک/شتر فرمودند: «در قراردادهایی که با آنها می‌بندی، راه توجیه را ببند... بعد از آنکه با دشمنت پیمان بستنی، به‌طور کامل از او برحذر باش؛ زیرا گاهی به تو نزدیک می‌شود تا تو را غافلگیر کند. در این‌گونه شرایط، بی‌اختیار نشو و دوراندیش بوده و حسن ظن خویش را متهم ساز» (نهج البلاغه، ن ۵۳). غرض این نیست که همه دشمنانگاشته شوند، بلکه این هشدارها ما را در مقابل برنامه‌های احتمالی دشمنان هشیار می‌کند. در تاریخ سده‌های اخیر کشورهای اسلامی، ضربات سهمگینی از جانب اجانبی که در این کشورها، به‌ویژه از نظر اقتصادی نفوذ کرده‌اند، به مسلمانان وارد شده است.

حکم ورود بانک‌های خارجی

امروزه عمده کشورهای اروپایی و آمریکا و برخی کشورهای دیگر غیرمسلمان، تنظیم‌کننده عمده روابط بین‌المللی هستند. اصول عمده و عملی این کشورها، دورویی و نفاق می‌باشد. آنها ابزارهای لازم برای اعمال سیاست‌های خود را نیز طراحی نموده‌اند. در چنین شرایطی، باید بسیار هشیارانه تصمیم‌گیری شود. مطلب مهم اینک، از ادله یاد شده می‌توان تفتیح مناط نموده، در مواردی که حاکمان یک کشور اسلامی فاسد باشند و یا عامل اعمال سلطه بیگانگان باشند نیز باید برای حفظ عزت زیر سلطه آنان قرار نگیریم. این‌گونه موارد، معمولاً مصداق تزامم هستند. در موارد تزامم، مصالح حکم عقل ملاک تقدیم ادم بر مهم است. شارع نیز این حکم عقل را امضا می‌فرماید (موسوی خمینی، بی‌تا، ص ۱۲۲). در این‌گونه موارد، لازم است متخصصان مربوط با تشکیل هیئت‌های کارشناسی و ارزیابی منفعته‌ها و مضرات صور مختلف، صورتی را که مصلحت بیشتر و یا ضرر کمتری دارد، اختیار کنند. حکم تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی، مصداق همین حکم بود. ایشان در آن شرایط مفسده، قرارداد رژی را موجب ذلت ملت مسلمان ارزیابی کرد و حکم به تحریم استفاده از تنباکو نمود.

در مورد ورود بانک‌های خارجی به کشور ما، ارزیابی شورای انقلاب در سال ۵۸ این بود که فعالیت آنها، برای اقتصاد ایران مناسب نبوده و در راستای نظام اقتصادی کشور عمل نکرده و تنها سود خارجیان را در نظر داشته‌اند. این ارزیابی، هم بانک‌هایی را شامل می‌شد که صدرصد سرمایه متعلق به خود آنها بود و هم بانک‌هایی که معادل ۴۹ درصد سهام آنها خارجی بود. در شرایط حاضر، وضعیت نسبت به زمان پیروزی انقلاب بسیار پیچیده‌تر شده است. برخی ویژگی‌هایی که در حال حاضر، زمینه‌ساز تأثیر صرفاً منفی بانک‌های خارجی هستند را برشمردیم. از قبیل: ناکارا بودن نظام بانکی، ضعف سیستم نظارتی، پیچیدگی قرارداده‌ها، محدودیت اطلاعات اعتباری از مشتریان و کارگزاران نظام بانکی، عدم وجود الزامات نهادی و فرهنگی برخی نتایج حاصله هم عبارت بود از: خرید دارایی‌های بزرگترین بانک‌های داخلی در شرایط نامساعد مالی، قبضه نمودن سهم عمده بازار بانکی، حمایت از صرفاً بنگاه‌های پرسود داخلی، که به دلیل ساختار غالباً تجاری اقتصاد این کشورها بنگاه‌های پرسود عمدتاً تجاری و

بعضاً مخرب اقتصاد هستند، نه تولیدی، زمینه‌سازی برای ورود بنگاه‌ها و شرکت‌های چند ملیتی بزرگ و تقویت بنیه آنها، ایجاد رقابت کاذب بین بانک‌های بزرگ داخلی، بروز رقابت نادرست بین بانک‌های خارجی و داخلی، سلب استقلال نظام بانکی در تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد انتظار غیرمنطقی برای نجات اقتصاد داخلی، توسط بانک‌های خارجی و... علاوه بر اینها مسئله نفوذ را نیز باید افزود. نفوذ کشورهای مستکبر در شئون مختلف بسیاری از کشورها، روزه‌روز تشدید شده است. از آنجاکه کشور ما مهد انقلاب اسلامی است و آرمان‌های انقلاب اسلامی، در برابر ارزش‌هایی کشورهای سلطه‌گر قرار دارد و هر روزه، آنها از تمامی ابزارها برای مقابله با اسلام ناب محمدی ﷺ استفاده می‌کنند؛ نقش اقتصاد در کشور ما و در شرایط بحرانی قرار داشتن نظام بانکی کشور بر کسی پوشیده نیست. در چنین شرایطی، حضور بانک‌های خارجی با اوصاف یاد شده، می‌تواند زمینه‌ساز تسلط اقتصادی و سیاسی اجانب شود. در جریان افزایش نرخ سکه و ارز در سال ۹۷، در برخی کشورهای همسایه سازماندهی دقیقی صورت گرفته بود که هر چه ارز توسط بانک مرکزی تزریق می‌شد، با منابع خارجی خریداری می‌شد. طبیعی است اگر بانک‌های کشورهای مورد نظر، به‌صورت مستقیم در کشور حضور داشته باشند، هم به‌دلیل قانونی بودن حضورشان، با سهولت بیشتری اقدام می‌کنند و هم اقدامات آنها مؤثرتر خواهد بود.

مطالعات انجام شده در خصوص حضور بانک خارجی، در اغلب کشورهای در حال گذار و همچنین، سوابق و تجربیات مربوط به ایران معاصر، حکایت از این دارد که استعمارگران از روابط مالی و به‌طور خاص از بانک برای ایجاد، بسط و گسترش سلطه اقتصادی، سیاسی خود استفاده‌های فراوانی کرده‌اند. در این صورت، بر اساس قاعده نفی سبیل باید تا زمان اطمینان از عدم امکان سوءاستفاده آنها، هرگونه زمینه تسلط کفار بر مسلمانان را با عدم صدور مجوز برای فعالیت آنها مسدود نمود. بنابراین، اگر در مورد یا مواردی کارشناسی دقیق صورت گرفت و معلوم شد فواید حضور بیشتر بوده و زمینه‌ساز سلطه نیستند، حکم اولی جواز مبنا خواهد بود. می‌توان گفت: در موارد تردید هم حتی اگر احتمال بالا نباشد، به دلیل قبح و منفور بودن بسیار بالای محتمل؛ یعنی سلطه در نزد شارع، باید بنا را بر عدم اعتماد گذاشت. در مسائل فردی، توصیه اسلام در اغلب موارد حسن ظن است. اما در مواردی که مصلحت جامعه اسلامی مطرح است، اصل سوءظن است. حقیقت این است که نوع رابطه میان بانک‌های خارجی، با نظام پولی و بانکی و بانک‌های داخلی و نتیجه حاصل از ورود بانک‌های خارجی، به مقدار زیادی بستگی به ویژگی‌های نظام پولی و بانکی و اقتصادی کشور میزبان دارد. آنچه گفته شد با استفاده از برخی قواعد دیگر نیز نتیجه‌گیری می‌شود. برای نمونه، در شرایط حاضر و با داشتن تجربه‌های یاد شده، بیشتر اوقات حضور این بانک‌ها مصداق اضرار به کشور هستند و بر اساس قاعده «لاضرر»، باید از بروز آن پیشگیری به عمل آید. تبیین آنها به مقاله‌های جداگانه‌ای موکول می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱. جهانی‌سازی مالی و آزادسازی مالی، زمینه‌هایی هستند که توجیه‌کننده اصلی ورود بانک‌های خارجی به کشورهای مختلف بوده‌اند. اما ارزیابی شاخص‌های آزادی اقتصادی، نشان می‌دهد که نه تنها این شاخص‌ها، دچار مشکلات روش‌شناسی هستند، بلکه بر پایه دیدگاه ایدئولوژیکی خاصی بنا شده‌اند. دیدگاهی که مجموعه‌های خاصی از ترتیب‌های نهادی و سیاست‌ها را که هماهنگی بیشتری با برخی کشورهای غربی دارند، به‌عنوان محرک رشد و توسعه اقتصادی کشورها معرفی می‌کند. درحالی‌که کشورهایی مانند چین با الگویی متفاوت، با آنچه شاخص‌های آزادی اقتصادی ترویج می‌کنند، به رشد و توسعه اقتصادی موفق دست یافته‌اند. تجربه ناموفق اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در برنامه اول توسعه، با محوریت خصوصی‌سازی، آزادسازی تجاری و یکسان‌سازی نرخ ارز، لزوم هماهنگ بودن، یکپارچگی و سنجیده بودن اصلاحات ساختاری را اثبات می‌کند. اما این مجموعه اصلاحات هماهنگ، لزوماً همان مجموعه اصلاحات شاخص‌های آزادی اقتصادی نیست، بلکه ترکیبی گزینش شده‌ای از تجربه‌های موفق سایر کشورها و مطالعه ظرفیت‌ها و شرایط بومی کشور خواهد بود.

۲. ورود بانک‌های خارجی به سیستم بانکی کشور را نمی‌توان معادل تجربه ورود بانک‌های خصوصی دانست؛ زیرا حاکمیت و نظارت بانک مرکزی بر نحوه عملکرد بانک‌های خصوصی را می‌توان از طریق قوانین داخلی تأمین نمود. ولی مدیریت حضور و عدم حضور بانک‌های خارجی و نحوه عملکرد آنها، کاملاً بستگی به تصمیمات خارج از مرزهای ملی و تصمیم‌گیری‌های داخلی دارد. در صورتی که بیشترین نظارت و محدودیت‌های اطمینان‌آور متعددی، برای حضور و فعالیت بانک‌های خارجی در ایران قرار داده شود؛ این طرح نخواهد توانست به جذب بانک‌های بزرگ و معتبر خارجی منجر شود. چنانچه به بانک‌های خارجی برای ورود و خروج از بازار بانکی ایران، آزادی عمل زیادی داده شود، استقلال پولی و بانکی کشور دچار اختلال جدی خواهد شد؛ زیرا در صورت ورود بانک‌های خارجی و مشارکت آنها در ارائه خدمات و تسهیلات بانکی در ایران و کسب سهم قابل توجه (حدود ۴۰ درصدی) در بازار پولی و بانکی کشور، در کنار آزادی عمل کافی در برنامه‌ریزی، می‌تواند خطرات جدی از قبیل خطرات زیر را ایجاد نماید:

عدم حضور و تعطیلی ناگهانی برای دستیابی به اهداف خاص اقتصادی یا سیاسی؛ تغییر رویه در الگوهای جذب و تخصیص منابع؛ عدم تمکین بانک‌های خارجی در برابر سیاست‌گذاری‌های بانک مرکزی و نهادهای حاکمیتی و قضایی کشور، با حربه برخورداری از قدرت قابل توجه و نفوذ مؤثر در بازار بانکی و تهدید به ایجاد ریسک جدی، برای بازار پولی و بانکی کشور و تصمیمات خودسرانه این بانک‌ها.

۳. حضور بانک‌های خارجی در ایران، می‌تواند امکان اثربخشی تحریم‌های اقتصادی را فراهم می‌کند. تا سال ۱۳۸۵ (پیش از تشدید تحریم‌ها)، ۶۳۳ بانک با ایران روابط کارگزاری داشتند که تا سال ۱۳۹۳، یعنی در آستانه مذاکرات هسته‌ای، به ۵۰ بانک کاهش یافته بود. اما در مدت اخیر، با لغو تحریم‌ها و مذاکرات انجام شده، تا اواخر سال ۱۳۹۵، بانک‌های دارای روابط کارگزاری با ایران به ۲۳۸ کشور رسیده است.

۴. برخورداری از بانک‌های اطلاعاتی روزآمد و دقیق، در خصوص عملیات‌های بانکی و شرکت‌های مؤثر و بزرگ ایرانی، در کنار امکان بلوکه کردن اموال و خودداری از جریان وجوه در بازارهای بین‌المللی، می‌تواند ریسک‌های سیاسی و استراتژیک بزرگی را در کشور ایجاد کند.

۵. در خصوص ایجاد بانک خارجی در مناطق آزاد ایران و نیز ایجاد شعب در این مناطق، هیچ‌گونه محدودیتی وجود ندارد. تنها محدودیت‌ها برای سرزمین اصلی است که آن هم برای راه‌اندازی شعبه محدودیتی مشاهده نمی‌شود. بنابراین، باید ارزیابی دقیقی در خصوص دلایل عدم اقبال بانک‌های خارجی، برای ایجاد شعب متعدد در مناطق آزاد انجام شود. عدم گسترش بانک‌های خارجی در مناطق آزاد در ایران، خود نشان از وجود مشکلات جدی ساختاری، اقتصادی و سیاسی در مسیر توسعه بانک‌های خارجی در ایران دارد. در صورت عدم چاره‌اندیشی جدی در خصوص آنها، تجویز حضور بانک‌های خارجی در سرزمین اصلی نیز نمی‌تواند اثربخش و مفید باشد.

۶. در حال حاضر، تشکیل بانک‌های برون‌مرزی در قوانین موضوعه بانک مرکزی مجاز شناخته نشده است.

۷. لزوم به‌کارگیری چارچوب‌های نظارت دقیق در خصوص دفاتر زیرمجموعه بانک‌های خارجی.

۸. لزوم توسعه بانکداری الکترونیک و تسهیل عملیات‌های بانکی خارجی، برای جلوگیری از ایجاد نیاز یا اقبال به دفاتر زیرمجموعه بانک‌های خارجی.

۹. با توجه به نتایج اغلب قریب به اتفاق مطالعات و پژوهش‌های انجام گرفته، در خصوص حضور بانک خارجی در کشورهای در حال گذار و همچنین، تجربه حضور بانک خارجی در ایران معاصر و اصول موضوعه مرتبط اقتصادی اسلامی، نظیر حرمت و منوعیت ربا، اکل مال به باطل، نفی ضرر و به‌ویژه نفی سبیل، حضور بانک خارجی در اقتصاد ایران، تنها با پذیرش شرایط زیر امکان‌پذیر است:

الف. عملیات بانک خارجی غیرربوبی بوده و تابع مقررات بانکداری اسلامی جمهوری اسلامی ایران باشد.

ب. بانک خارجی از جمله بانک‌های اسلامی کشورهای مسلمان باشد که در آنها بانکداری اسلامی اجرا گردیده است.

پ. بانک‌های اسلامی خارجی کشورهای غیراسلامی، با پذیرش و رعایت کامل شروط مرتبط با اصول موضوعه باشد.

ت. حضور بانک خارجی مستقیم و غیرمستقیم در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، موجب نفوذ و سلطه اجانب بر مقدرات کشور نگردد.

ث. منافع قطعی حضور بانک خارجی، بر سرجمع زیان‌های قطعی و احتمالی آن بیشتر باشد.

نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، امیرالمؤمنین.

انصاری، مرتضی، ۱۴۲۰ق، *کتاب المکاسب*، قم، المؤتمر العالمی بمناسبة الذكری المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصاری.

بجنوردی، سیدحسن، ۱۳۷۷، *القواعد الفقهية*، قم، الهادی.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۴۲۱ق، *کتاب البیع*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

_____، بی‌تا، *معتمد الأصول*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

حسینی مراغی، میرعبدالفتاح، ۱۴۱۷ق، *العناوين الفقهية*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

خلخالی، سیدکاظم، ۱۴۰۷ق، *تقرير بحث ميرزا حبيب الله الرشتي*، قم، داری.

- تقی‌السادات، سیدرضا، ۱۳۷۹، «جهانی‌سازی و ابزارهای جهانی‌شدن (قسمت اول)» *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۱۰، ص ۵۸-۶۵.
- Barba-Navaretti, Giorgio, Giacomom Calzolari, Alberto Franco Pozzolo, and Micol Levi. 2010, "Multinational Banking in Europe: Financial Stability and Regulatory Implications Lessons from the Financial Crisis." *Economic Policy*, 25, 703-53.
- Beck, Thorsten, and Maria Soledad Martinez Peria, 2010, "Foreign Bank Acquisitions and Outreach: Evidence from Mexico", *Journal of Financial Intermediation*, No. 19, P 52-73.
- Berger, Allen N, Claudia M. Buch, Gayle DeLong, and Robert DeYoung, 2004, "Exporting Financial Institutions Management via Foreign Direct Investment Mergers and Acquisitions", *Journal of International Money and Finance*, No. 23, P. 66-33.
- Berger, Allen N, George Clarke, Robert Cull, Leora Klapper, and Gregory Udell, 2005, "Corporate Governance, and Bank Performance: A Joint Analysis of the Static, Selection and Dynamic Effects of Domestic, Foreign and State Ownership", *Journal of Banking and Finance*, No. 29, 2179-2221.
- Bhattacharyya, A, Lovell, C. K., & Sahay, P, 1997, "The impact of liberalization on the productive efficiency of Indian commercial banks", *European Journal of operational research*, No. 98, P. 332-345.
- Brownbridge, M, & Gockel, A. F, 1998, *Banking in Africa: the impact of financial sector reform since independence*, Africa World Press.
- Claessens, Stijn, and Jong-Kun Lee, 2003, *Foreign Banks in Low-Income Countries: Recent Developments and Impacts In Globalization and National Financial Systems*, edited by James Hanson, Patrick Honohan, and Giovanni Majnoni, P 109-41, Washington, DC: World Bank.
- Claessens, Stijn, 2006, "Competitive Implications of Cross-Border Banking", In: *Cross-Border Banking: Regulatory Challenges*, edited by Gerard Caprio, Douglas D. Evanoff, and George G. Kaufman, P 151-82, Hackensack, NJ: World Scientific Publishing.
- Claessens, Stijn, and Neeltje Van Horen, 2012, "Being a Foreigner among Domestic Banks: Asset or Liability?", *Journal of Banking and Finance*, No. 36, P 90-1276.
- _____, 2014, "Foreign Banks: Trends and Impact", *Journal of Money, Credit and Banking*, No. 46, P 295-326.
- Claessens, Stijn, Asli Demirguc, -Kunt, and Harry Huizinga, 2001, "How Does Foreign Entry Affect the Domestic Banking Market?", *Journal of Banking and Finance*, No. 25, P 891-911.
- Claessens, S., & Horen, N, 2014, "Foreign banks: Trends and impact", *Journal of Money, Credit and Banking*, No. 46, P 295-326.
- Clarke, George, Robert Cull, Maria Soledad Martinez Peria, and Susana Sanchez, 2003, "Foreign Bank Entry: Experience, Implications for Developing Countries, and Agenda for Further Research", *World Bank Research Observer*, No. 18, P 25-40.
- Cole, Shawn A, 2009, "Financial Development, Bank Ownership, and Growth: or, Does Quantity Imply Quality?", *Review of Economics and Statistics*, No. 91, P 33-51.
- Cull, R., Peria, M., Sánchez, S.M. and Clarke, G, 2002, *Bank lending to small businesses in Latin America: Does bank origin matter?*, The World Bank.
- Cull, R, and Maria Soledad Martinez Peria, 2013, "Foreign Bank Participation in Developing Countries: What Do We Know about the Drivers and Consequences of this Phenomenon?", In: *Encyclopedia of Financial Globalization*, edited by Gerard Caprio, P 213- 22,

- Amsterdam: Elsevier.
- Demircug-Kunt, Asli, Luc Laeven and Ross Levine, 2004, "Regulations, Market Structure, Institutions, and the Cost of Financial Intermediation", *Journal of Money, Credit and Banking*, No. 36, P 593-622.
- Dages, Gerard, Linda Goldberg, and Daniel Kinney, 2000, "Foreign and Domestic Bank Participation in Emerging Markets: Lessons from Mexico and Argentina", *Economic Policy Review*, No. 6, P 17-36.
- De Haas, R. and Van Lelyveld, I, 2006, "Foreign Banks and Credit Stability in Central and Eastern Europe: A Panel Data Analysis", *Journal of Banking and Finance*, No. 30, P 52-1927.
- _____, 2010, "Internal Capital Markets and Lending by Multinational Bank Subsidiaries", *Journal of Financial Intermediation*, No. 19, P 689-721.
- Detragiache, E, & Gupta, P, 2006, "Foreign banks in emerging market crises: Evidence from Malaysia", *Journal of Financial Stability*, No. 2, P 217-242.
- Domanski, D, 2005, *Foreign banks in emerging market economies: changing players, changing issues*.
- Garcia-Herrero, Alicia, and Maria Soledad Martinez Peria, 2007, "The Mix of International Banks' Foreign Claims: Determinants and Implications", *Journal of Banking and Finance*, No. 31, P 31-1613.
- Galindo, Arturo, Alejandro Micco, and Cesar Serra, 2003, "Better the Devil that You Know: Evidence on Entry Costs Faced by Foreign Banks", *Inter-American Development Bank*, Working Paper No. 477.
- Hasan, I., & Marton, K, 2003, "Development and efficiency of the banking sector in a transitional economy: Hungarian experience", *Journal of Banking & Finance*, No. 27, P 2249-2271.
- Havrylchyk, O, 2006, "Efficiency of the Polish banking industry: Foreign versus domestic banks", *Journal of Banking & Finance*, No. 30, P 1975-1996.
- Isik, I., & Hassan, M. K, 2002, "Technical, scale and allocative efficiencies of Turkish banking industry", *Journal of Banking & Finance*, No. 26, P 719-766.
- Jeon, B. N., Olivero, M. P., & Wu, J, 2011, "Do foreign banks increase competition? Evidence from emerging Asian and Latin American banking markets", *Journal of Banking & Finance*, NO. 35, P 856-875.
- La Porta, R. L., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., & Vishny, R. W, 1998, "Law and finance", *Journal of political economy*, No. 106, P 1113-1155.
- Levine, R, 1996, "Foreign banks, financial development, and economic growth", *International financial markets: Harmonization versus competition*, No. 7, P 54-224.
- Mian, A, 2006, "Distance constraints: The limits of foreign lending in poor economies", *The Journal of Finance*, No. 61, P 1465-1505.
- Mody, A. and Peria, M.S.M, 2004, "How foreign participation and market concentration impact bank spreads: evidence from Latin America", Vol. 3210, World Bank Publications.
- Muda, M., Shahrudin, A., & Embaya, A, 2013, "Comparative analysis of profitability determinants of domestic and foreign Islamic banks in Malaysia", *International Journal of Economics and Financial Issues*, No. 3, P 559-569.
- Pelletier, A, 2018, "Performance of foreign banks in developing countries Evidence from sub-Saharan African banking markets", *Journal of Banking & Finance*, No 88, P 292-311.
- San, O. T., Theng, L. L., & Heng, T. B, 2011, "A comparison on efficiency of domestic and foreign banks in Malaysia: A DEA approach", *Business Management Dynamics*, No. 1, P 33-49.
- Sapienza, P, 2004, "The effects of government ownership on bank lending", *Journal of financial economics*, No. 72, P 357-384.
- Sensarma, R, 2006, "Are foreign banks always the best? Comparison of state-owned, private and foreign banks in India", *Economic Modelling*, No. 23, P 717-735.
- Sufian, F, 2007, "The efficiency of Islamic banking industry in Malaysia: Foreign vs domestic banks", *Humanomics*, No. 23, P 174-192.
- Yeyati, E. L., & Micco, A, 2007, "Concentration and foreign penetration in Latin American banking sectors: Impact on competition and risk", *Journal of Banking & Finance*, No. 31, P 1633-1647.